

نیاید این تفاوت‌ها را مبنای تصمیم‌گیری یا مرزبندی قرار دهیم. به عنوان معاون سیاسی وزارت کشور، اگر من بین یک حزب اصولگرا مانند مؤتلفه یا جبهه پایداری و یک حزب اصلاح‌طلب مانند اتحاد ملت یا کارگزاران، در عملکرد اداری و حکمرانی تفاوتی قائل شوم، به این جایگاه خیانت کرده‌ام. این جایگاه باید تجلی بی‌طریقی و عدالت در برخورد با جریان‌های سیاسی باشد. البته باید اشاره کرد که دولت، زمینه‌سازی این وفای را پیش از آغاز جنگ وزارت کشور برگزار شد و همه احزاب در آن حضور یافتند، ممکن نبود. آن احزاب که موقع جنگ دعوت شدند، به‌درستی می‌توانستند بپرسند: «تا حالا کجا بودید؟» اما از آنجا که پیش‌تر نیز با همین جریان‌ها نشست و گفت‌وگو داشتیم، با تماس وزارت کشور، بدون لحظه‌ای همان حاضر شدند در جلسه‌وفاق ملی شرکت کنند. این جلسه، صرفاً یک نشست نبود؛ نماد یک اتفاق مهم تاریخی بود، اماپندگاران زیر یک سقف نشستند. نکته جالب‌تر آنکه محتوای سخنان آنان به طرز عجیبی به یکدیگر نزدیک بود. ۹۰ درصد سخنان دکتر محمدرضا خاتمی همان مفاهیمی را داشت که دکتر حماد عادل مطرح کرد. برخی از حاضران سال‌ها منتقد بوده‌اند، اما همان‌ها در آن جلسه گفتند «انتقادات سر ما خود؛ اما در شرایط جنگ، اختلاف‌ها را تعلیق می‌کنیم.» این بلوغ و شعور ملی مردم ایران است. ملت ما می‌داند که شاید از مسئولان کلا به‌مند باشد، اما وقتی می‌بیند موشک‌های جمهوری اسلامی از آسمان ایران دفاع می‌کنند، به روشنی تشخیص می‌دهد که امروز مسئولان مدافع سرزمین هستند. بله، ممکن است به من نوعی، جفایی شده باشد اما در لحظه‌ای که سرزمین تهدید می‌شود باید بین وطن و دشمن مرز دهیم. مردم ما این را به‌خوبی فهمیدند و نشان دادند که انتقاد هرگز بهانه‌ای برای خیانت نیست.

در جنگ تحمیلی اخیر، این دعا هم مطرح شد که ما از داخل کشور نیز ضرباتی دریافت کردیم چه از طریق نفوذ و یا حتی هدایت برخی ریزپرنده‌ها از داخل. نوع حملات اسرائیل به اهدافی چون زندان اوین یا مرکز سپاه و فرجا، نشان می‌داد که دشمن برنامه جدی برای از بین بردن نظم داخلی و شورش دارد. تحلیل شما از این حملات دشمن چیست؟ و چرا نتوانست به هدفش برسد؟

در رابطه با اینکه برخی حملات از داخل کشور هدایت شده‌اند یا از پرنده‌های بدون سرنشین داخلی استفاده شده، طبق گزارش‌های نهادهای امنیتی و ویژه اظهارات صریح وزیر محترم اطلاعات و مجلس، باید با تأکید گفت که برای این حملات منشأ گسترده داخلی وجود نداشت و طراحی حملات کاملاً خارجی بود. با وجود این، نباید کتمان کرد که ما در برخی حوزه‌های تکنولوژیک دچار شکاف فناوریانه هستیم و باید برای جبران خسارت نظامی بود. آنان برای تغییر نظام جمهوری اسلامی آمده بودند. به همین دلیل اولین هدفشان، پلیس پیشگیری بود تا سامانه‌های فرماندهی کلانتری‌ها و نیروی انتظامی مختل شود. هدف از حمله به زندان اوین هم این بود که با ایجاد اغتشاش در زندان، هزاران زندانی به خیابان‌ها بیایند و در نقش پیاده‌نظام اغتشاش دند نظر دشمن خارجی عمل کنند. اما هر خلأ فاصلی تفرششان، حتی در حالی که عملاً در لحظاتی در زندان‌ها باز شده بود، اما زندانیان وفاداری خود را به هوش‌های نشان دادند و هیچ‌گونه سناریویی از جنس سناریوهایی که دشمن خارجی می‌خواست، محقق نشد.

در واقع دشمن در دو محور اساسی دچار خطای محاسباتی شد؛ یکی اینکه تصور کرد اگر چند مرکز نظامی و امنیتی آسیب ببیند، ساختار کشور فرو می‌پاشد؛ در حالی که جمهوری اسلامی ساختاری فراتر از اشخاص دارد و بر پایه نهادهای مردم استوار است. دوم اینکه برداشت نادرستی از ملت ایران داشت و ملت ایران نشان داد هوشیارتر، وفادارتر و وطن‌دوست‌تر از آن است که ابزار دست دشمن قرار گیرد. پس وقتی ما از پیروزی مطلق در این جنگ صحبت می‌کنیم، منظورمان فقط مقابله نظامی نیست؛ بلکه پیروزی اصلی این است که دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشتیم. آنان به هیچ‌یک از مقاصد اصلی خود نرسیدند. البته این به معنای بی‌نقص بودن ما نیست. ما نیز باید به‌طور جدی به برخی نقاط ضعف خود بپردازیم، از جمله اینکه در این حمله غافلگیر شدیم، دچار شکاف اطلاعاتی و فناوریانه هستیم، باید اشراف اطلاعاتی مان در فضای داخلی را ارتقا دهیم و باید توانایی شناسایی نفوذ یا کشف زودهنگام تحرکات لجستیکی دشمن را گسترش دهیم. اما به‌رغم همه این‌ها، در نهایت پیروزی در میدان جنگ حاصل شد، اما پیروزی بلندمدت نیازمند اصلاح، تقویت و بازسازی ظرفیت‌های راهبردی کشور است.

عزیزان ما بهره گرفتیم، نشانه‌های روشن است از اینکه این دولت تغییر کرده است؛ نه قانون، قبلاً هم قوانین مایه‌مح منعوبی برای چنین انتصاباتی نداشتند. بنابراین اگر تا حالا چنین تصمیماتی اتخاذ نشد، احتمالاً ناشی از بدسلیقگی‌های گذشته بود نه منع قانونی. اما این دولت با شعار وفای ملی روی کار آمد. همان‌طور که برای انتصاب استانداران استان‌های مرکزی، استعلامات لازم‌را از نهادهای ذربط گرفت و شرایط لازم را بررسی کرد، برای استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان نیز همان مسیر طی شد. سوابق امنیتی و مدیریتی مورد نیاز بررسی شد و با رعایت تمامی مراحل قانونی، انتصاب صورت گرفت. اما نکته‌ای که رئیس‌جمهوری به‌درستی اشاره کردند، این است که این مسیر بدون همراهی و حمایت رهبر معظم انقلاب انجام می‌شود. ما در کشوری با تنوع مذهبی و قومی زندگی می‌کنیم و طبیعی است که در چنین فضاهایی، برخی دیدگاه‌های احتیاطی وجود داشته باشد. اما با تأکید رهبر معظم انقلاب که بارها فرمودند «همه ایران، ملت ما هستند»، این گروه‌ها گشوده شد و راه برای تصمیمات تازه باز شد. سمت استانداری، یکی از مسئولیت‌های سطح یک کشور است؛ یعنی فردی که به این جایگاه می‌رسد به اخبار سری و امنیتی دسترسی دارد و مسئول حفظ امنیت استان است. لذا بدیهی است که موافقت و همراهی ارکان عالی نظام، کلید گشایش این مسیر بود. مردم هم از این تسبیر رویکرد رami ببینند. وقتی استاندار از همان منطقه قومیت باشد، دیگر دشمن نمی‌تواند ادا کند نظام مردم را به رسمیت نمی‌شناسد. این مسئله، نوعی تمایل اجتماعی ایجاد می‌کند که به تحکیم انسجام منتهی می‌شود. یا وقتی استاندار، هم‌دشمن و هم‌قوم مردم آن منطقه باشد، ساختن دقیقی از بافت محلی و ساختارهای قومی دارد. ما با استان‌هایی مواجه هستیم که ساختار عشیره‌ای در آنها بسیار مؤثر است. در چنین مناطقی انتخاب استاندار بومی و هم‌زبان به اطمینان بخشی و کاهش سوءتفاهم‌ها کمک می‌کند، بالعکس، غریب‌نوی بودن شاید باعث بروز بی‌اعتمادی شود. به‌وضوح دیدیم که این سیاست دولت وفای ملی جواب داد. در جنگ اخیر دیدیم که همین مردم در کنار نظام ایستادند. این یعنی انتخاب استاندار بومی فقط یک تصمیم سیاسی یا مدیریتی نبود، بلکه سرمایه‌گذاری بر انسجام ملی بود که حالا نتیجه‌اش را می‌بینیم.

در جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، نوعی هم‌دلی و انسجام ملی باشکوه و به‌تعبیر رهبر معظم انقلاب، «معجزه‌گون» در کشور شکل گرفت. امروز موضوعی که فعالان و خبرگان تأکید دارند، تقویت انسجام داخلی است. به عنوان معاون سیاسی وزیر و سخنگوی وزارت کشور، نقش و وظیفه دولت را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا وزارت کشور برای نقش آفرینی احزاب در حکمرانی برنامه‌ها دارد؟

انسجامی که در روزهای جنگ علیه کشورمان پدید آمد، نه تنها حادثه‌ای گذرا یا واکنشی احساسی نبود، بلکه تبلور یک روح ناخودآگاه و حتی خودآگاه جمعی ایرانیان بود؛ روحی که به محض وقوع تهدید، در سراسر ایران، خود به خود فعال شد و مردم را بدون نیاز به هیچ فراخوان رسمی، آماده دفاع از وطن کرد. ما این انسجام را روحی می‌دانیم که در هراترانی، در هر گوشه از جهان وجود دارد؛ مگر گروهي بسیار اندک که از سر خیانت یا وابستگی، حتی نسبت به سرزمین خود نیز وفاداری ندارند. بسیاری از ایرانیان ممکن است دلخوری‌هایی داشته باشند، اما این تفاوت نگاه یا اعتراض، هرگز به معنای مجاز بودن استبداد پز نبه ایران نیست. برای همین، صبح روز حمله، هر ایرانی، بدون آنکه کسی به او چیزی بگوید، آماده ایستادی برای کشور بود. این نشان می‌دهد این انسجام، برخاسته از دستور یا سازماندهی رسمی نبود، بلکه آگاهی ملی عمیق و غریزی است که در لحظه بحران فعال می‌شود. در واقع، ایرانی‌ها هویت و وحدت تاریخی خود را بافراتر بردند. به یاد آوردند که ما ملتی هستیم که برخی از شهروندان سن‌شان از خود رژیم جعلی صهیونیستی بیشتر است. دشمنی که به ما حمله کرد، هویت تاریخی تثبیت‌شده‌ای ندارد. این مقایسه به خوبی نشان می‌دهد که انسجام ما ریشه در گذشته‌های دور و تمدنی اصیل و عمیق دارد و با گذشت زمان، گفت‌که در این انسجام، دولت یا حاکمیت نقش مستقیمی نداشت. اتفاقاً گاهی عملکرد ما مسئولان ممکن است موجب دلخوری‌هایی به شده باشد. اینجاست که باید با فروتنی بپذیریم که این مردم بودند که انسجام را آفریدند. ما به عنوان مسئول، باید مردم را نه به عنوان شهروندان تحت مدیریت، بلکه به عنوان فرزندان خودمان ببینیم. همه ۹۰ میلیون ایرانی، دختران و پسران ایران‌اند؛ فرقی ندارد اهل کجا باشند یا چه نگاهی به سیاست داشته باشند. در یک کشور متحرک مانند ایران، طبیعی است که گروه‌ها و احزاب سیاسی دارای سلسله‌های مختلفی باشند. این نوع، تهدید نیست؛ ظرفیت است. اما ما که امروز بر صندلی مسئولیت نشست‌ایم،



درباره انتصاب زنان با جدیت گفتند که «اگر زنی شرایط لازم برای مسئولیت را داشته باشد، هیچ مانعی برای انتصاب او وجود ندارد.» حتی در چند استان نیز تا آستانه معرفی زن پیش رفتیم، اما به دلیل نبود سابقه کافی برای تصدی مناصب سیاسی-امنیتی سطح بالا، در عمل رزومه برخی نامزد‌ها با معیارهای نهایی تطابق نیافت. با وجود این، مسیر همچنان باز است و انتظار می‌رود در آینده شاهد حضور استانداران زن نیز باشیم



علی زینی‌وند، وزیر کشور

شفاف، الکترونیکی و مسئولانه باشد. رئیس‌جمهوری در یکی از جلسات با صراحت بیان کردند که برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی دو راهکار اصلی در نظر گرفته شده است؛ یکی تقویت به‌شرط شایستگی و مصالح ملی. اصل اول آن است که نباید به خاطر یک یا دو استثنا، کل مسیر تقویت اختیارات را متوقف کرد. راه‌حل صحیح، ساختارسازی، تعریف سازوکار شفاف و نظارت‌پذیر و اطمینان از معیارهای انتخاب استاندار است. اگر فردی در جایگاه استاندار منافع ملی را بر منافع محلی ترجیح دهد، در شرایط بحرانی تصمیمات او از تصمیمات بخشی نگرورزانهای مؤثرتر به‌موقع بکار برده خواهد بود. دوم ابزارهای نظارتی، شفافیت و دولت الکترونیک؛ در نظامی حداقل می‌رسد. اتفاقاً در همین مسیر، یکی از اهداف اصلی دولت، حرکت از «امضای طلایی» به «فرآیندهای شفاف» است. در خصوص مسأله «میانکاله»، رئیس‌جمهوری تأکید کردند که مشکل در ضعف ضوابط و فقدان شفافیت بود، نه در اصل تقویت اختیار. پس راه‌حل، انسداد مسیر واگذاری نیست، بلکه ضابطه‌مند کردن آن است.

تقویتی اختیارات به استانداران، خطر تکرار تجربه «پتروشیمی میانکاله» را در پی ندارد؟ یکی از دغدغه‌های جدی تقویتی اختیارات به استانداران، نگرانی از تکرار برخی تجربه‌های تلخ مانند ماجرای میانکاله یا حتی شایبه حرکت به سمت فدرالیسم است. این موضوع نه تنها در افکار عمومی مطرح شده، بلکه حتی شخص رئیس‌جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی نسبت به این نگرانی واکنش نشان داد. رویکرد دولت در این زمینه روشن است: تقویتی اختیار به معنای بی‌ضابطه‌کردن ساختار تصمیم‌گیری نیست، بلکه باید فرآیندی نظام‌مند،

تقویتی اختیارات به استانداران، خطر تکرار تجربه «پتروشیمی میانکاله» را در پی ندارد؟ یکی از دغدغه‌های جدی تقویتی اختیارات به استانداران، نگرانی از تکرار برخی تجربه‌های تلخ مانند ماجرای میانکاله یا حتی شایبه حرکت به سمت فدرالیسم است. این موضوع نه تنها در افکار عمومی مطرح شده، بلکه حتی شخص رئیس‌جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی نسبت به این نگرانی واکنش نشان داد. رویکرد دولت در این زمینه روشن است: تقویتی اختیار به معنای بی‌ضابطه‌کردن ساختار تصمیم‌گیری نیست، بلکه باید فرآیندی نظام‌مند،

تقویتی اختیارات به استانداران، خطر تکرار تجربه «پتروشیمی میانکاله» را در پی ندارد؟ یکی از دغدغه‌های جدی تقویتی اختیارات به استانداران، نگرانی از تکرار برخی تجربه‌های تلخ مانند ماجرای میانکاله یا حتی شایبه حرکت به سمت فدرالیسم است. این موضوع نه تنها در افکار عمومی مطرح شده، بلکه حتی شخص رئیس‌جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی نسبت به این نگرانی واکنش نشان داد. رویکرد دولت در این زمینه روشن است: تقویتی اختیار به معنای بی‌ضابطه‌کردن ساختار تصمیم‌گیری نیست، بلکه باید فرآیندی نظام‌مند،

ابهام زدایی معاون سیاسی وزارت کشور از یک نگرانی نابجا هدف تفویض اختیارات تقویت نظام اجرایی است نه فدرالیسم زنان هم استاندار می‌شوند

گفت‌وگو مرتضی گل‌پور - الهام یوسفی گروه سیاسی

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل است و سابقه سال‌ها فعالیت در وزارت کشور دارد. در دولت‌های دوازدهم و سیزدهم استاندار بود و بعد به سمت مشاور وزیر کشور در دولت سیزدهم درآمد. حالا معاون سیاسی وزیر کشور دولت وفای ملی و سخنگوی وزارت کشور است. علی‌زینی‌وند بنا به همین سوابق چه‌راهی مرئی‌الطرفین برای احزاب اصولگرا و اصلاح‌طلب است، امری که به او اجازه می‌دهد در جایگاهی که دارد نقش مؤثرتری در پیشبرد وفای ملی در میان احزاب و جریان‌های سیاسی ایفا کند. گفت‌وگو با زینی‌وند مدتی پس از جنگ اخیر و پس از بازدید وی از روزنامه ایران انجام شد.

انتصاب زنان نیز با جدیت گفتند که «اگر زنی شرایط لازم برای مسئولیت را داشته باشد، هیچ مانعی برای انتصاب او وجود ندارد.» حتی در چند استان نیز تا آستانه معرفی زن پیش رفتیم، اما به دلیل نبود سابقه کافی برای تصدی مناصب سیاسی-امنیتی سطح بالا، در عمل رزومه برخی نامزد‌ها با معیارهای نهایی تطابق نیافت. با وجود این، مسیر همچنان باز است و انتظار می‌رود در آینده شاهد حضور استانداران زن نیز باشیم.

است رویکرد وزارت کشور را به سمت نگاه امنیتی ببرد. اما دیدیم که آقای مؤمنی هم در عمل و هم در گفتار، اقدامات دولت بود. بسیاری از استانداران در گذشته شرایط حاد اجتماعی و امنیتی با شرایط ناشی از حوادث طبیعی را تجربه کرده و بارها سناریوهایی بحران را به صورت عملی تجربه کرده بودند. بنابراین آمادگی مدیریتی در استان‌های نیز به صورت سیستماتیک تقویت شد. اما در مورد مسأله مهمی مثل اجرای قانون عفاف و حجاب، باید گفت سیاست وزارت کشور در این حوزه، ناظر بر تقویت انسجام اجتماعی و پرهیز از دو قطبی‌سازی جامعه بود. به عنوان وزیر کشور بود. پس از معرفی ایشان، بلافاصله برخی از نخبگان و حتی بخشی از بدنه حامی دولت ابراز نگرانی کردند که حضور یک فرد با پیشینه نظامی در رأس وزارت کشور می‌تواند رویکرد این وزارتخانه را از نگاه اجتماعی و تعاملی، به نگاه امنیت‌محور و انضباطی تغییر دهد. اما واقعیت این بود که بسیاری از مدیران باسابقه وزارت کشور، در جمله خود من، از دوران ریاست آقای مؤمنی در شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در دولت آقای روحانی، با دیدگاه‌های ایشان آشنایی داشتیم. در همان زمان مشخص بود که نگرش ایشان به مسائل، نگرشی عمیقاً اجتماعی و کارشناسانه است. متأسفانه بخش‌هایی از اجتماع، حتی برخی مدیران که سابقه همکاری مستقیم با ایشان نداشتند، دچار همان قضاوت‌های زودهنگام شدند. رئیس‌جمهوری محترم نیز در همان روزها به‌درستی تأکید کردند که «قضاوت درباره افراد را باید به بعد از عملکرد آنان موکول کرد.» این توصیه در مورد آقای مؤمنی بسیار بجا بود. امروز با گذشت چند ماه از فعالیت ایشان در وزارت کشور، به‌روشنی می‌توان گفت که از جمله دستاوردهای وزارت کشور، و ساختارهای وزارتخانه آشنا هستند، بلکه فهم دقیقی از اقتضات مدیریت سیاسی و اجتماعی در کشور دارند. ایشان از ابتدا با صراحت اعلام کردند که رویکرد وزارت کشور «اجتماعی‌سازی مسائل امنیتی» است؛ یعنی باید تلاش کرد مسائل و بحران‌ها قبل از آنکه به مسائل امنیتی بدل شوند، از مسیر تعامل اجتماعی، افتاع عمومی و تدبیر اجتماعی مدیریت شوند. مصداق روشن این رویکرد را می‌توان در مواجهه با موضوع قانون عفاف و حجاب مشاهده کرد. به‌جای آنکه با رویکرد قهری به این مسأله پرداخته شود، تلاش شد فضا آرام، غیردوقطبی و مبتنی بر گفت‌وگو باقی بماند. همین نگاه در مدیریت حوادث احتمالی نظیر هود دانشگاه با اعتراضات دانشجویی نیز مشهود بود. شرایط پیش‌زمینه تهدید بحرانی شدن را داشت، اما با همین نگاه اجتماعی در وزارت کشور و شخص وزیر، این مسأله هم مدیریت شد. یکی از مسأله‌های دیگر دوره مدیریت آقای مؤمنی، نگاه مبتنی بر شایسته‌سالاری بود. در اولین مذاکراتی که با ایشان پیرامون معرفی استانداران داشتیم، دو موضوع مهم مطرح شد: اول آنکه آیا از اقوام و مذاهب مختلف کشور هم استاندار معرفی خواهد شد؟ و دوم آنکه آیا امکان انتصاب استاندار زن وجود دارد یا خیر؟ پاسخ ایشان در هر دو مورد، روشن و پیشرو بود. ایشان تأکید کردند «هر فردی که واجد صلاحیت‌های قانونی و مدیریتی باشد، صرف‌نظر از قومیت یا مذهب، می‌تواند مسئولیت بپذیرد. ما تابع شایستگی هستیم، نه خط‌کشی‌های هویتی.» درباره

آقای مؤمنی آشنایی دیرینه‌ای با رئیس‌جمهوری دارند. اما پس از مطرح شدن ایشان به عنوان گزینه وزیر کشور، برخی حامیان رئیس‌جمهوری ابراز نگرانی کردند که سابقه نظامی دکتر مؤمنی ممکن

معاون اول رئیس‌جمهور در سخنانی عنوان کردند پس از شهادت شهید اسماعیل هنیه در شب مراسم تحلیف، ارزیابی دولت این بود که از این به بعد فضای کشور باید حالت جنگی تلقی شود. آیا چنین ارزیابی و تلقی‌ای در وزارت کشور هم وجود داشت؟ آیا برخی تصمیم‌ها از جمله توقف اجرای قانون «عفاف و حجاب» ناشی از ارزیابی وجود فضای خاص برای کشور بود؟

بله، چنین درک و ارزیابی‌ای به صورت گسترده نه تنها در دولت، بلکه در نهادهای مختلف حاکمیتی از جمله وزارت کشور نیز وجود داشت. ما در وزارت کشور کاملاً آگاه بودیم که پس از شهادت شخصیت برجسته‌ای همچون شهید اسماعیل هنیه و با توجه به شرایط متلاطم منطقه‌ای، امکان ورود کشور به وضعیت ویژه‌ای از تهدیدات و تحولات راهبردی بسیار بالاست. بر همین اساس، هم‌راستا با دولت ارزیابی ما در وزارت کشور نیز این بود که باید خود را برای شرایطی مشابه وضعیت جنگی آماده کنیم. از همان ابتدای استقرار دولت جدید، با در نظر گرفتن احتمال بروز تحولات ژئوپلیتیکی، آمادگی‌های لازم در سطوح مختلف حاکمیتی، امنیتی، انتظامی و حتی مدیریتی استان‌ها در دستورکار قرار گرفت. ما غافلگیر نشدیم. همان‌طور که از ابتدای فعالیت دولت تا امروز مشاهده کردید در هیچ‌یک از نقاط کشور نشانی از سردرگمی یا دست‌پاچگی در میان مدیران ارشد، استانداران و فرماندهان نظامی مشاهده نشد. هرچند نوع عملیاتی که دشمن طراحی کرده بود، در ذات خود بخشی از عنصر غافلگیری را داشت، اما به دلیل تمرینات، تجربه‌های قبلی و تحلیل‌های هوشمندانه، مواجهه با این شرایط به‌صورت کاملاً هدفمند و کنترل‌شده صورت گرفت.

در وزارت کشور، نه تنها از بعد امنیتی و نظامی، بلکه از جنبه اجتماعی نیز این آمادگی وجود داشت. انتخاب استانداران با تجربه در مدیریت بحران، یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت بود. بسیاری از استانداران در گذشته شرایط حاد اجتماعی و امنیتی با شرایط ناشی از حوادث طبیعی را تجربه کرده و بارها سناریوهایی بحران را به صورت عملی تجربه کرده بودند. بنابراین آمادگی مدیریتی در استان‌های نیز به صورت سیستماتیک تقویت شد. اما در مورد مسأله مهمی مثل اجرای قانون عفاف و حجاب، باید گفت سیاست وزارت کشور در این حوزه، ناظر بر تقویت انسجام اجتماعی و پرهیز از دو قطبی‌سازی جامعه بود.

به عنوان وزیر کشور بود. پس از معرفی ایشان، بلافاصله برخی از نخبگان و حتی بخشی از بدنه حامی دولت ابراز نگرانی کردند که حضور یک فرد با پیشینه نظامی در رأس وزارت کشور می‌تواند رویکرد این وزارتخانه را از نگاه اجتماعی و تعاملی، به نگاه امنیت‌محور و انضباطی تغییر دهد. اما واقعیت این بود که بسیاری از مدیران باسابقه وزارت کشور، در جمله خود من، از دوران ریاست آقای مؤمنی در شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در دولت آقای روحانی، با دیدگاه‌های ایشان آشنایی داشتیم. در همان زمان مشخص بود که نگرش ایشان به مسائل، نگرشی عمیقاً اجتماعی و کارشناسانه است. متأسفانه بخش‌هایی از اجتماع، حتی برخی مدیران که سابقه همکاری مستقیم با ایشان نداشتند، دچار همان قضاوت‌های زودهنگام شدند. رئیس‌جمهوری محترم نیز در همان روزها به‌درستی تأکید کردند که «قضاوت درباره افراد را باید به بعد از عملکرد آنان موکول کرد.» این توصیه در مورد آقای مؤمنی بسیار بجا بود. امروز با گذشت چند ماه از فعالیت ایشان در وزارت کشور، به‌روشنی می‌توان گفت که از جمله دستاوردهای وزارت کشور، و ساختارهای وزارتخانه آشنا هستند، بلکه فهم دقیقی از اقتضات مدیریت سیاسی و اجتماعی در کشور دارند. ایشان از ابتدا با صراحت اعلام کردند که رویکرد وزارت کشور «اجتماعی‌سازی مسائل امنیتی» است؛ یعنی باید تلاش کرد مسائل و بحران‌ها قبل از آنکه به مسائل امنیتی بدل شوند، از مسیر تعامل اجتماعی، افتاع عمومی و تدبیر اجتماعی مدیریت شوند. مصداق روشن این رویکرد را می‌توان در مواجهه با موضوع قانون عفاف و حجاب مشاهده کرد. به‌جای آنکه با رویکرد قهری به این مسأله پرداخته شود، تلاش شد فضا آرام، غیردوقطبی و مبتنی بر گفت‌وگو باقی بماند. همین نگاه در مدیریت حوادث احتمالی نظیر هود دانشگاه با اعتراضات دانشجویی نیز مشهود بود. شرایط پیش‌زمینه تهدید بحرانی شدن را داشت، اما با همین نگاه اجتماعی در وزارت کشور و شخص وزیر، این مسأله هم مدیریت شد. یکی از مسأله‌های دیگر دوره مدیریت آقای مؤمنی، نگاه مبتنی بر شایسته‌سالاری بود. در اولین مذاکراتی که با ایشان پیرامون معرفی استانداران داشتیم، دو موضوع مهم مطرح شد: اول آنکه آیا از اقوام و مذاهب مختلف کشور هم استاندار معرفی خواهد شد؟ و دوم آنکه آیا امکان انتصاب استاندار زن وجود دارد یا خیر؟ پاسخ ایشان در هر دو مورد، روشن و پیشرو بود. ایشان تأکید کردند «هر فردی که واجد صلاحیت‌های قانونی و مدیریتی باشد، صرف‌نظر از قومیت یا مذهب، می‌تواند مسئولیت بپذیرد. ما تابع شایستگی هستیم، نه خط‌کشی‌های هویتی.» درباره

آقای مؤمنی آشنایی دیرینه‌ای با رئیس‌جمهوری دارند. اما پس از مطرح شدن ایشان به عنوان گزینه وزیر کشور، برخی حامیان رئیس‌جمهوری ابراز نگرانی کردند که سابقه نظامی دکتر مؤمنی ممکن



برش